



سیاستمداران



تلاش می کنیم جامعه دوقطبی نشود

اسکندر موسوی، وزیر کشور در نشست دبیران کل احزاب و شخصیت‌های سیاسی گفت: «اگر نگاه کنید، می‌بینید که در بین استناداران از جناح‌های مختلف سیاسی حضور دارند، اما شاخص اصلی، باور مندی به کار کارشناسی و التزام به شاخص‌های تعیین شده بوده است و تا حد امکان تلاش شده تا همه این موارد رعایت شود.» او با تأکید بر تبعیض قائل نشدن در انتصاب‌ها، گفت: «اگر در بین افراد بررسی‌شده، زنان یا اهل سنت واجد شرایط بودند، حتماً انتخاب می‌شدند. هیچ ملاحظه‌ای برای قومیت، مذهب یا جنسیت قائل نشدیم؛ این یک امانت بود که باید رعایت می‌شد.» وزیر کشور بابیان اینکه همستگی ملی عامل انسجام کشور بوده است، گفت: «ایران عزیز در طول تاریخ، هویت خود را از طریق همدلی و انسجام حفظ کرده است. تلاش ما این بوده که جامعه دچار دوقطبی نشود. ما هیچ‌گاه نغفتیم فقط سنت من یا مذهب من یا قومیت من؛ ملت ایران همیشه اهل وفاق و وحدت بوده‌اند.» وی با اشاره به موضوع تحزب و استفاده از ظرفیت احزاب در کشور، گفت: «وفاق به معنای نبود تفاوت نیست. ما جامعه‌ای متکثر داریم؛ از نظر سیاسی، قومی، مذهبی و محلی تفاوت‌های زیادی داریم. اما باید همه دست به دست هم دهیم تا جامعه دچار دوقطبی نشود و باید به تفاوت‌ها احترام بگذاریم.»

تیم مذاکره‌کننده را امین می‌دانیم

مجتبی زارعی، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با خبرنگاری ایلنا درباره دور اول مذاکرات بین ایران و آمریکا و برخی از حواشی ایجادشده توسط برخی افراد و جریان‌های داخلی عنوان کرد: «مذاکره خودش متن و محورهایی دارد اما من به یاد ندارم که در ارتباط با نوع و شیوه مذاکره بین همه اجزای نظام در جمهوری اسلامی اشتراک نظر وجود داشته باشد.» او در بخش دیگری گفت: «برخی از دوستان هر نوع دیگری صحبت می‌کنند، این را باید به حساب بدعهدی‌های آمریکا گذاشت. البته به جز الی دو مورد که آن‌ها توجه کافی ندارند کلیت مجلس تأکید کرده که تیم مذاکره را امین می‌داند و معتقدیم آن‌ها به خوبی عمل می‌کنند و جلو می‌روند. اختلاف‌فطری که وجود دارد وقتی علیه دشمن خارجی باشد، قابل ستایش است.»

آقای رئیس جمهور، تدبیر کنید

علیرضا سلیمی، نماینده مجلس دوازدهم در صفحه توئیترش نوشت: «تأیید و تکنیسیه‌های دولت در انتصابات مانند آنچه در مورد آقای طیب‌نیا برای وزارت اقتصاد و اسماعیلی برای معاونت پارلمانی گذشت اولاً؛ نشانگر آشفتگی و عدم توان تصمیم در دولت، ثانیاً؛ دلیل اختلاف در اندرون آن، ثالثاً؛ موجب ایجاد حواشی برای دولت و کشور است؛ آقای رئیس جمهور تدبیر کنید.»

ادامه سر مقاله

براندازان داخلی هم مخالف گفت‌وگو هستند؛ همان‌هایی که ناشناس در روغن تحریم و شگردهای متقلبانه و بسیار فاسد برای دور زدن آن و امنیتی کردن فنانست و این دو جناح افراطی با رسیدن به یکدیگر در دشمنی با گفت‌وگوها، اتحاد پیدا کرده‌اند. شاید بگویند که اینها به لحاظ ارزشی و دینی و انقلابی چنین افکاری دارند و منافع دخالتی ندارند. گرچه پشت صحنه این انقلابی‌گری و بازی‌های ارزشی منافع گروه‌های سیاه قرار دارد؛ ولی تجربه تاریخی از این موارد نیز در تاریخ اسلام وجود دارد. این نمونه‌ها در ماجرای صلح امام حسن و نیز ولایتعهدی امام رضا مسبوق به سابقه است. در هر دو مورد مخالفانی که صادق بودند، به سرعت متوجه خطای خود می‌شدند و تغییر عقیده می‌دادند ولی بسیاری از آنان که دنبال منافع و مادیات بودند به اردوگاه معاویه و مامون خلیفه عباسی پیوستند و این وضعیتی است که امروز تجربه آن را در ایام بخش مهمی از تندروهای قبلی امروز در اردوگاه و خیمه مخالفان و براندازان هستند و این قاعده برای اغلب تندروهای کنونی نیز صادق است.

و پیگیری‌هایی در این مسائل داشته است. او تأکید دارد که مشی قبل از حصر و در حصر همچنان ادامه دارد.

❖ دوم؛ نکته دیگری که در این بیانیه مشخص است؛ وظیفه اخلاقی است که او نسبت به موسوی دارد. در این مطلب مشخص است که او از عدم همزمانی رفع حصرش با موسوی و رهنورد ناراحت است و امیدوار است که در آینده نزدیک همانطور که یزشکیان و سایرین مطرح کرده‌اند رفع حصر آنها نیز اتفاق بیفتد.

❖ سوم؛ موضوعی که در قبال او وجود دارد این است که او در سال‌های پیش از حصر فعالیت سیاسی خود را تحت عنوان فعالیت حزبی در پیش گرفته بود و به نوعی شاید بتوان گفت که این گونه حضور در محافل سیاسی را برای خود ارتقا داده بود و حالا هم اگر چه از دبیرکلی حزب اعتماد ملی استعفا داده است؛ اما از جمله مهمترین موقعیت‌های او در شرایط فعلی کشور این است که او یک حزب سیاسی رسمی در ساختار سیاسی کشور دارد و همین هم فرصتی را برای او فراهم می‌کند که در این شرایط بتواند در بخش تشکیلاتی سیاسی نقش پررنگ‌تری ایفا کند.

❖ چهارم؛ بالاخره کروی به عنوان یک فعال سیاسی که هم پیش از انقلاب و در جریان وقوع آن فعالیت پررنگی داشته و هم پس از آن در تحکیم و تثبیت انقلاب و پیشبرد اهداف آن حضور داشته است؛ دارای سبقه سیاسی و ارتباطی بسیاری است و بر همین اساس در شرایط فعلی هم رویایش با این ریش‌سفیدان فضای سیاسی و انقلاب، هم‌نسلی‌های خود حتی نسل بعدی آن نیز امکان ادامه بسیار دارند و این افراد برای او احترام قائلند؛ بنابراین او در این شرایط فرصت آن را دارد که سوخته‌ها را رفع کند و در تطایف فضا اثرگذار باشد. همانطور که شاهد بودید همین اخیراً آیدار او با علی اکبر ناطق‌نوری از چهره‌های شاخص راست سنتی و اصولگرایان صورت گرفت و نزدیکی با این طیف و جریان و یافتن وجه اشتراک با این چهره‌ها کاملاً مشهود است. (باید خاطر نشان کرد که طیف جوانتر اصولگرایان که تندرو و نگاه بنیادگرایانه دارند؛ که اغلب با اعضای جبهه پایداری یا منشعب از آن و همسویان هستند برای هیچ‌یک از سابقون انقلاب شانی قائل نیستند؛ چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب؛ یعنی آنها که نظر متفاوتی با خودشان دارند را در برابرش می‌ایستند و به آنها حمله می‌کنند؛ همانند همان چیزی که در بی انتشار بیانیه او نیز صورت گرفت.) عملاً بر اساس همین بیانیه و برداشتی که از سابقه او به دست می‌آید او همچنان می‌تواند بین معمرین جریان‌ها تعدیل ایجاد کند.

❖ پنجم؛ تاریخ ما همچنان با ایهامات بسیار مواجه است، بنابراین اگر کروی در کنار همه این برنامه‌ها و فعالیت‌های سیاسی توانایی ثبت خاطرات و نگارش آن را داشته باشد، با توجه به اینکه هم در انقلاب و هم در نظام جمهوری اسلامی نقش مهمی داشته است؛ این خاطرات کمک مهمی به نسل‌های جدید و رفع ایهامات تاریخی می‌کند.

❖ ششم؛ در عالم سیاست این روزهای کشور دو چهره سیدمحمد خاتمی از جناح چپ سنتی و اصلاح‌طلبان امروز و علی‌اکبر ناطق‌نوری به عنوان چهره‌های از جناح راست سنتی و اصولگرایان امروز که در جایگاه سیاسی آنها هم‌تراز با کروی بوده‌اند؛ مسیر مشخصی را پیش گرفته‌اند که شاید در ترسیم آینده جایگاه و نقش کروی فارغ از بحث سلامتی بتواند کمک کند البته که در حال حاضر و با یک بیانیه و چند دیدار با فعالان سیاسی زود است که پیش‌بینی دقیقی از آینده فعالیت او داشته باشیم.

❖ ناطق‌نوری از جمله چهره‌های سیاسی فعال هم‌زمان با کروی بود اما طی سال‌های اخیر گوشه‌نشینی و عزلت را در پیش گرفته و بعید است که کروی خواهان چنین رویه‌ای باشد حداقل این بیانیه نشان می‌دهد که او می‌خواهد از سرمایه اجتماعی که دارد در فضای سیاسی امروز استفاده و در آن اثرگذار باشد.

❖ خاتمی، پس از انتخابات ۸۸ عملاً به عنوان رهبر معنوی جریان اصلاح‌طلب نقش آفرینی کرد و فعالیت محدودی حالا با توجه به اینکه بخشی از آن هم تحمیلی بوده است؛ در پیش گرفته و بیش‌تر با تأیید و در جایگاه اجماع‌دهنده طیف‌های مختلف اصلاح‌طلبان نقش آفرینی می‌کند یعنی اگر اصلاح‌طلبان به نتیجه‌ای برسند و او هم آن را درست بداند؛ از آنها حمایت خواهد کرد و بیش از این وارد نمی‌شود. براساس رویکرد این دو شخصیت؛ با توجه به اینکه کروی بر خلاف بسیاری از چهره‌های دیگر حزب هم دارد و فعالیت سیاسی متفاوتی را می‌تواند در پیش بگیرد، در نتیجه به احتمال زیاد نه نسخه خاتمی و نه نسخه ناطق‌نوری را در پیش می‌گیرد و فعال‌تر از آنها خواهد بود. بنابر این بیانیه، او اگر از لحاظ جسمانی با مشکلی مواجه نباشد، او می‌خواهد وارد گود شود؛ آن هم براساس نگرانی برای تحقق اهداف انقلاب و جامعه و مشکلاتی که فضای سیاسی با آن دست به گریبان است.



❖ دهه چهارم انقلاب

«من خودم را برای سخت‌ترین شرایط و آسان‌ترین شرایط آماده کرده‌ام. یعنی هم آماده هزینه‌اش را بردارم... می‌دانم چه خبر است و چه مراکز قدرتی به وجود آمده است. از شما هم این درخواست دارم، آیا با توجه به اینکه همیشه از مشکلات و فراندوم گفته‌اید که بسیار هم خوب است، می‌خواهم بردارانه یک اتمام حجت هم بکنم، والله بالله تالله اگر مهندس موسوی فردا بگوید من نیستم به ضرر است، باید بدانیم هر دوی ما هم باید بدانیم؛ هر چه هم از آن درآمد...» این متن بخشی از مناظره مهدی کروی و میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است. انتخاباتی که کروی پس از آنچه در سال ۸۴ بر او گذشت؛ به نحوی دیگر به آن ورود کرد. سال ۸۴ از دبیرکلی مجمع روحانیون مبارز کناره‌گیری کرد و به تشکیل حزب «اعتماد ملی» پرداخت و فعالیت تشکیلاتی را این بار در قالب یک حزب سیاسی همچون جوامع توسعه‌یافته سیاسی در پیش گرفت و در انتخابات ریاست جمهوری بعدی شرکت کرد. همانطور که در این مناظره کروی از موسوی خواست و در اینجا هم به آن اشاره شد هر دو چهره اصلاح‌خواه و اصلاح‌طلب تا پایان ماندند و بعد از شروع اعتراضات به نتایج این انتخابات از موسوی و کروی به همراه سیدمحمد خاتمی به عنوان رهبران جنبش سبز نام برده شد. در ماه‌های پس از این انتخابات اعتراضات به صورت اعتراضات خیابانی نیز ادامه یافت؛ هر دوی کاندیداهای حاضر در انتخابات پای کار ماندند تا اینکه در ۲۵ بهمن سال ۱۳۸۹ به همراه همسران‌شان به حصر رفتند. البته فاطمه کروی پس از چندی از حصر خارج شد اما زهرا رهنورد در کنار همسرش موسوی در حصر باقی ماند. در این بین با پایان دوره محمود احمدی نژاد و روی کار آمدن حسن روحانی گشایش‌هایی در حصر ایجاد شد و ارتباطاتی میان این چهره‌های در حصر و خانواده‌شان صورت گرفت و در این مدت کروی در بزنگاه‌های مختلف سیاسی حتی توانست بیانیه نیز صادر و آن را به گوش مردم برساند و در جایگاه یک اکتیویست سیاسی هر چند به صورت محدود به نقش آفرینی ادامه دهد. در نهایت او در آخرین فعالیت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دوره چهاردهم نیز شرکت کرد. با روی کار آمدن مسعود یزشکیان خبر از رفع حصر او پس از ۱۴ سال نیز مطرح شد؛ البته او در پی این خبر رفع حصرش را نپذیرفت و آن را منوط به رفع حصر موسوی و رهنورد کرد اما در نهایت در ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۳ اعلام شد که حصر رفع شده و نیروهای امنیتی طی روزهای آینده از خانه او خواهند رفت.

❖ کروی پس از پایان حصر

حالا کروی در سن ۸۷ سالگی از حصر درآمده و در محافل سیاسی بار دیگر امکان حضور دارد و با شروع سال جدید دیدارهای نوروزی او آغاز شده و حالا در پی اولین کنش سیاسی این سیاستمدار، بیانیه‌ای از او منتشر شد که چند نکته اساسی داشت: ❖ اول؛ شاید مهم‌ترین نکته آن تغییر نکردن نگاه و دیدگاه او نسبت به گذشته است؛ همان صراحت لهنجه و حتی همان تندگی کلام و البته دلسوزی برای مردم و نظام در این بیانیه به چشم می‌خورد. او در این بیانیه طوری سخن گفته که نشان می‌دهد در دوران حصر و در این روزها بی‌خبر از وضعیت سیاسی و اجتماعی مردم نبوده

کرد؛ «ما نظارت‌مان نظارت استصوابی است». در این زمان کروی به همراه خاتمی و خونینی و سیدمهدی امام جمهرانی به دیدار رهبری رفتند و این موارد را مطرح کردند. در نقل قول کروی آمده است: «ما حرف‌هایمان را زدیدم و جلسه‌ای شد و ایشان هم خیلی عنایت کردند. لطف فرمودند گفتند: «اگر بنای حذف باشد من وارد می‌شوم. نمی‌گذاریم که خلاف قانون اتفاق بیفتد، این جور چیزی نیست که شما می‌گویید.» اسفند ۷۰ شد و حذف‌ها اتفاق افتاد. کروی در کتاب نظارت استصوابی می‌گوید: «اقدام کردیم، ملاقات کردیم، تلاش کردیم، اما تلاش به جایی نرسید.» با پایان دوره مجلس سوم کروی که پیش از این از شرکت در امتحان مجلس خبرگان هم به‌نشان اعتراض به عملکرد شورای نگهبان اجتناب کرده بود؛ عملاً از فضای تصمیم‌گیری فاصله گرفت و تقریباً در نیمه اول دهه هفتاد فعالیت سیاسی او محدود به فعالیت در قالب «مجمع روحانیون مبارز» شد.

❖ دهه سوم انقلاب

نیمه دوم دهه هفتاد برای مجمع روحانیون مبارز که از بدو تاسیس به دبیرکلی کروی در حال فعالیت بود؛ فرصت بروز دوباره برای این تشکل بود. آنجا که مجمع روحانیون مبارز با معرفی سیدمحمد خاتمی به گود انتخابات ریاست جمهوری هفتم وارد شدند و در نهایت هم خاتمی با ادبیات متفاوت برگزیده از خاستگاه سیاسی اش و نگاه توسعه‌محور و توجه به اصطلاحاتی چون جامعه‌مدنی و حقوق شهروندی پیروز انتخابات شد. این اتفاق بار دیگر جریان چپ‌گرایی سیاسی کشور را به عرصه مدیریتی و نقش آفرینی بازگرداند و بالطبع آن کروی نیز بار دیگر فعالیت سیاسی را در پی گرفت و دو سال بعد در پی انتخابات مجلس ششم با کسب آرای قابل توجهی از تهران به مجلس وارد شد و با حمایت دو چهره دیگر یعنی بهزاد نبوی و سیدمحمدرضا خاتمی که نامشان برای ریاست مجلس مطرح بود، او بر مسند ریاست این قوه تکیه زد. در سال‌های حضور او در جایگاه ریاست مجلس ششم مجموعه اتفاقاتی رخ داد و تصمیماتی از سوی او گرفته شده و در بخش‌هایی او سرسختانه ایستاد. مثلاً وقتی حسین لقمانیان از نمایندگان مجلس از سوی قوه قضائیه به دلیل اظهارنظرش به دادگاه فرا خوانده شد و حکم قطعی برای او صادر شد. در ۴ دی ماه ۱۳۸۰ خبر رسید که ماموران اجرای حکم به خانه نماینده همدان رفته و او را بازداشت و برای سپری کردن محکومیت به اوین منتقل کرده‌اند. این مسئله باعث بحث‌های بسیار و واکنش تند مجلس شد، اما قوه قضائیه کوتاه نیامد و بر همین اساس کروی در سخنان صریحی به جایگاه مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی اشاره کرد و نگاه ویژه بنیانگذار انقلاب نسبت به آن را گفت و تصریح کرد: «وقتی قانون اساسی می‌گوید مجلس حق تحقیق و تفحص، حق استیضاح، اصل ۹۰ و تقی‌الشرع است که چنین حقی برای مدح و ستایش نیست.» او در ادامه افزود: «آیا نقد و انتقاد و اعتراض، تخلف از قانون است؟» کروی پس از این سخنرانی، جایگاه ریاست را ترک کرد. این اقدام پیام ویژه‌ای را در خود مستتر داشت، چنانچه ساعتی بعد محمود هاشمی‌شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به مقام رهبری، خواستار عفو نماینده همدان شد و با موافقت ایشان، لقمانیان پس از حدود سه هفته از زندان آزاد شد و به مجلس بازگشت با دربار حکم هاشم آقاجری که او این حکم را «نگین» دانست و نامه‌نگاری برای شکستن حکم او هم انجام شد. البته او با همه صراحت کلام و رفتار همسوی با جریان سیاسی اش در جریان اصلاح قانون انتخابات آنجا که قرار بود بعد از تعطیلات ماهانه نمایندگان به رای گذاشته شود با نامه رهبری آن را از دستور کار مجلس خارج کرد.

کروی در سال ۸۱ هم در پی رصلاحیت گسترده پیش از انتخابات مجلس هفتم، اعتراضات خود را به این تصمیم شورای نگهبان اعلام کرد و در بیانیه‌ای مشترک به همراه سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهور وقت و مجمع روحانیون مبارز خطاب به احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان نسبت به رصلاحیت‌های گسترده کاندیداهای اصلاح‌طلب، انتصاب به‌جای انتخاب و تخلف در شمارش آرا در انتخابات مجلس هفتم اعتراض کرد.

بزنگاه بعدی فعالیت کروی به سال ۸۴ و انتخابات ریاست جمهوری بازمی‌گردد که او در آن زمان تصمیم به کاندیداتوری گرفت و در کنار مصطفی معین دو کاندیدای مطرح اصلاح‌طلب بودند؛ در پی اعلام نتایج انتخابات هم او با توجه به نزدیکی آرا و پیش‌تاری‌اش در چند ساعت ابتدایی شمارش آرا مدعی تقلب و تخلف در انتخابات و جابه‌جایی آرای او و محمود احمدی نژاد شد؛ همان موضعی که در بیانیه اخیرش نیز به آن اشاره داشت.

جوان‌گرایی به این معنا نباشد که جوانان صفرکیلومتر را بیابوند و بدون آموزش، کارهای سنگین را به آنها بسپارند و افراد مجرب و توانمند را به دلیل افزایش سن کنار بگذارند. شاهد آن بودیم که به عنوان جوانگرایی و بعد خالص‌سازی چهره‌های توانمند و مجرب را کنار گذاشتند. آقای کروی عصاره‌ای از تجربه و اطلاعات دقیق است؛ اینکه اصرار نظام در اختیار افراد معدودی مثل آقای کروی وجود دارد، موضوعی است که من تعجب می‌کنم که چرا او را باید ۱۴ سال در حصر نگه داشته باشند و جامعه را از حضور او محروم کنند. آقای مهندس موسوی هم همین گونه است و عصاره تجربه، صداقت و مهارت است و حصرش همچنان باقی است. این اشتباه و ظلم است و باید ایشان و همسر بزرگوارشان هم به جامعه برگردند. امیدواریم ایشان مردم و نظام را از نظرات کارشناسی خود بهره‌مند سازد و مستولان و نظام هم از نظرات ایشان استفاده کنند. ایشان نه می‌خواهد رئیس مجلس و رئیس جمهور شود و نه



نیاز به این دارد. امیدوارم که سال‌های سال در خدمت مردم و نظام باشد و مسئولان هم از پتانسیلی که در وجود ایشان است بهره ببرند. خیلی آرام و باطمینان نظرات آنها به جامعه منعکس شود.

❖ به‌طور کلی روحانیون اصلاح‌طلب چه جایگاهی در فضای سیاسی دارند؟ و چه نقشی می‌توانند در فضای سیاسی کشور ایفا کنند؟

روحانیون چه اصلاح‌طلب و چه غیراصلاح‌طلب قشری هستند که لباس خدمت پوشیده و اونفرمی را تاریخ به آنها داده و وظیفه‌شان به عنوان کارشناسان دینی و به عنوان کسانی است که به جای مردم تحقیق می‌کنند تا آن را به مردم بیاموزند و از مردم دفاع کنند. در طول تاریخ روحانیت، همیشه علما و روحانیون مدافع مردم بودند و همیشه در برابر ظلم ایستاده‌اند. حالیکه ضرورتی ایجاد شده که پس از انقلاب روحانیون به نظام وارد شده‌اند و مسئولیت‌هایی را در مجلس، قوه قضائیه و قوه مجریه و نهادهای دولتی پذیرفته‌اند این به عنوان یک اضطراب است و گرنه در وظایف اصلی روحانیون چنین